

## فطرت یاسر چشمه ایمان

مطالعات دامنه‌داری که اخیراً درباره ادیان بعمل آمده، از حقایق و موضوعات زیادی برده داشته است که همه آنها شایسته دقت نظر و توجه فراوان می‌باشد، این مطالعات ثابت نموده که دینداری و اعتقاد بمراد طبیعت، برای عموم افراد بشر چه آنهاست که در قدیمترین روزگارها میزیسته‌اند و چه نسل‌ها، یک‌ه بعداً پیدا شده‌اند جنبه‌ی عمومی داشته و تا کنون بهمیچ جمعیت و قومی که دارای عقاید دینی نباشند دسترسی پیدا نشده است.

عقیده بیشتر دانشمندان اینست که اعتقاد بخدا و اصولاً هرگونه حس دینی (بمعنی اعم) یک شعور و احساس فطری و غریزی می‌باشد که جایگاه ظهور آن عقل آدمی بوده و این شعور را يك موجود بالاتر و برتر از همه یعنی خداوند پاك در بشر سرشته است.

معروفترین دانشمندانیکه طرفدار فطری بودن ادراك و شعور مزبورند دانشمند: «لنج» اسکاتلندی است که نظریات و آراء او به ترتیب ذیل خلاصه میشود:

۱ - هر انسانی در خود فکر «علمیت و معلولیت» را باالبداهه می‌یابد و این فکر به تنهایی کافی است که در وی این عقیده را به وجود آورد که در این میان برای جهان؛ سازنده و آفریننده‌ای هست؛ مسلماً هر فردی که نزد خود تصویری از آفرینش جهان می‌یابد ناچار است به وجود صانعی که خلق و ایجاد از او است و غیر او قادر بر آن نیست اعتراف کند (۱).

۲ - ما مشاهده میکنیم انسان‌های قدیمی؛ حتی قبایل وحشی نیز اعتقادشان این بود که «پدري» یا «بزرگی» (بعنوان معبود) و یا خالق .. وجود دارد.

۳ - افکار و پدیده‌های دینی قبائل بدوی، نخست؛ در نهایت خلوص و پاکی بوده ولی پس از گذشتن این دوره افکار دینی آلوده به خرافات گشته و دوران عقائد افسانه‌ای پیش آمده است (منظور این است که این قبائل، اول خدای یگانه را می‌پرستیده‌اند و انواع مختلف شرك و

---

(۱) استدلال به وجود خدا از راه پی بردن از اثر بمؤثر که منظور «لنج» است وقتی توحید فطری محسوب میشود که فطرت را بمعنی اعم و وسیعی بگیریم و در غیر این صورت؛ روش استدلال «لنج» داخل در توحید فطری نبوده بهتر است آنرا توحید استدلالی بنامیم (مترجم).

عقائد باطل بعداً پیدا شده است) این نظریه متین «لنج» تازمان پیدایش روش جدید در تاریخ شناخت نژادها، رویهم رفته جزیکه تئوری غیر مسلم، چیز دیگری تلقی نشده بود، بعداً که روش مزبور روی کار آمد؛ تحقیقات ناشی از آن، با قسمت عمده نتایجیکه «لنج» از مطالعه و تحقیقات خود گرفته بود موافق شد و عظمت خاصی عائد این نظریات گردید؛ مهمترین تحقیقات و مطالعات اخیر، که نظریات «لنج» را بیشتر اثبات نموده، تحقیقاتی است که (schroeder Leopold Von) استاد دانشگاه «فینا» درباره قبائل هندو اروپائی بعمل آورده.

این محقق عالیقدر به این نتیجه رسیده که در میان آریائیها افکار و عقائد مربوط به خدای جهان از دیرترین زمانها همواره وجود داشته است، و بنا به عقیده این دانشمند اساس عقائد و پدیده های دینی موجود در میان آریائیها این سه اصل مختلف بوده است: «پرستش طبیعت» «پرستش مردگان»، «اعتقاد به یک خدای بزرگ مبدا خیر و آفریننده جهان»، ولی این استاد معین نکرده که کدام یک از این سه شعور و پدیده دینی جلوتر به وجود آمده بلکه تنها در بعضی از موارد همینقدر اشاره میکند که این مسئله احتیاج به بحثها و تحقیقات بیشتری دارد.

مقارن همین اوقات بود که دکتر «کروبر» نیز تحقیقات و بحثهای متعددی را در باره «**هندو کالیفرنیا**» منتشر کرد و در این بحثها اثبات نمود که این قبیله ها قدیمی ترین قبائل امریکای شمالی بوده اند و از تحقیقات او بطور وضوح معلوم میشود که وی به وجود شعور بخدای بزرگ در میان این قبائل، دست یافته و بلکه بالاتر از این؛ بر او ثابت شده که این هندوها جهان آفرینش را بواسطه اعتقاد به یک وجود برتر از همه و مقتدر که تمام نیروهای جهان در قبضه وی بوده و تمام پدیده ها و حوادث از او سرچشمه میگیرد؛ شناخته اند و عظمت هستی را از این راه دریافته اند.

یکی دیگر از دانشمندان نژادشناس بنام «شمت» هم ثابت نموده که وحشیان افریقائی که قدیمی ترین نژادهای بشری هستند به وجود خدای بزرگ، معتقد بوده اند، همچنانکه این دانشمندی برده که در میان قسمت مهمی از قبائل زنجی و قبائل استرالیای جنوب شرقی و قبائل هندوی امریکای شمالی - علاوه بر اصل اعتقاد بخدا - حتی مسئله یکتا پرستی و توحید هم رواج داشته است، در میان قبائل دیگر هم گرچه عقیده بخدا و وحدانیت، روزگاری وجود داشته ولی وقتی وضع بدوی این قبائل تغییر یافته؛ طرز فکر و فرهنگ آنان نیز دستخوش تحولاتی گردیده که در نتیجه، عقائد دینی آنها بصورت پیچیده و بفرنجی درآمد و خدای یگانه جای خود را به خدایان متعدد داده و عقیده به یک سلسله موجودات علوی و مافوق طبیعت دیگر نیز از همین

راه‌پدیدار شده است ... ، (۱)

این بودمختصری از آراء و عقائد دانشمندان که فطری بودن اعتقاد به وجود خدا را نفس انسانی اینطور صریحاً بیان نموده‌اند .

از این دانشمندان که بگذریم به دانشمند عالم‌مقام «دکارت» برمیخوریم و میبینیم این دانشمند از راه دلیل فطرت به وجود خدا استدلال کرده چنین میگوید :

« من در حالیکه بنقص ذات خود شعور دارم ؛ در همان حال به این حقیقت نیز شعور دارم که باید یک ذات کامل و واجبی در کار باشد ؛ من خود را به این اعتقاد ناچار می بینم : که این شعور را ؛ خود آن ذات کامل آراسته با جمیع صفات کمال ، در من سرشته است ؛ من از این اعتقاد ناگزیرم ، و ی‌بار دیگر چنین میگویم :

« در نهاد من شعور به وجود ذات کاملی هست و این شعور ؛ از نظر وضوح و صراحت ، با شعور به اینکه مجموع زوایای مثلث برابر دوزاویه قائمه است ، ذره‌ای فرق ندارد ، پس حتماً خدا وجود دارد» (۲)



از نشانه‌های حقانیت و عظمت اسلام که عقلها را دچار حیرت و اعجاب میکند ، این است که اسلام در بیان حقیقت گذشته ، تقریباً سیزده قرن بر علم پیشی جسته است ، قرآن :

این حقیقت را در آیه های ۳۰ و ۳۱ - از سوره روم با صراحت زیر بیان داشته :

(رو آر بآئین حنیف ؛ دینی که خدا سرشت مردم را بر آن استوار ساخته ، تغییر در آفرینش خدا نیست ، اینست دین خلیل زاپدیر و لکن بیشتر مردم نمیدانند ، بسوی او توبه و بازگشت نمائید و از او بترسید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نشوید)

قرآن با این بیان گویا و رسا ، مقرر میدارد که سرچشمه دین ؛ فطرت انسانی است و خدا همه مردم را بر سرشت دین آفریده و پایه اساسی دین اعتقاد به این حقیقت است که جهان ، آفریننده و پدید آورنده‌ای دارد یکتا و بی‌انبار ، هر وقت که آدمی در ساختمان وجود خویش می‌اندیشد به این حقیقت ، اعتراف میکند که او را خداوند توانا و حکیمی از نیستی

(۱) این نصوص از کتاب (پدایش دین) تألیف استاد «علی سامی النشار» از صفحه ۱۸۱ به بعد اقتباس شده است .

(۲) نقل از دائرة المعارف «فرید و جدی» (ماده اله)

